

«ان الذين لا يؤمنون بالآخرة زينا لهم اعمالهم فهم يعمهون \* اولئك الذين لهم سوء العذاب و هم في الآخرة هم الاخسرون» (نمل / ۵ و ۴): کسانی که به آخرت ایمان ندارند، اعمالشان را در نظرشان زیبا جلوه گر می‌کنیم. در نتیجه آنان در سرگشتگی به سر می‌برند. آنان کسانی‌اند که عذاب سخت برایشان خواهد بود و در آخرت زیانمندترین افراد هستند.

### یقین به آخرت

قرآن کریم دربارهٔ محسنین (نیکوکاران) می‌فرماید: «الم \* تلك آيات الكتاب الحكيم \* هدى و رحمة للمحسنين \* الذين يقيمون الصلاة و يؤتون الزكاة و هم بالآخرة هم يوقنون \* اولئك على هدى من ربهم و اولئك هم المفلحون» (لقمان / ۱-۵): این آیات کتاب حکیم است. رهنمود و رحمتی برای نیکوکاران است. همان‌ها که نماز به پا می‌دارند و زکات را می‌پردازند و به آخرت یقین دارند. آنان‌اند که از جانب پروردگارشان همواره در نور هدایتی خواهند بود و آنان‌اند که رستگار‌اند.

بنابراین، مسئله ایمان به آخرت از بزرگ‌ترین ارکان دین اسلام و سایر ادیان آسمانی است. هر چند به این مسئله در تورات و انجیل کنونی، به اندازهٔ قرآن توجه نشده است. به هر روی، این دو کتاب نیز به اندازه‌ای که ضرورت مسئله روشن شود، به این موضوع پرداخته‌اند. به نظر می‌رسد بحث‌های گسترده‌تری از معاد در تورات و انجیل به دست فراموشی سپرده شده‌اند.

### معادباوری در ادیان آسمانی

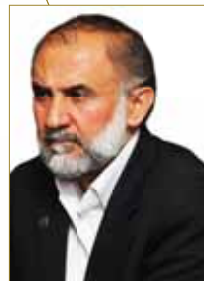
معادباوری در ادیان آسمانی را از دو راه می‌توان بررسی کرد: نخست با بررسی آیات قرآن و دیگر با بررسی کتاب‌های آسمانی پیشین.

### الف. آیات قرآن

از آنجا که قرآن افزون بر سایر ویژگی‌ها، کتاب تاریخ ادیان و همچنین تنها کتابی است که تاریخ درست ادیان آسمانی را نشان می‌دهد، می‌توان معادباوری در دیگر ادیان آسمانی را نیز از دیدگاه قرآن کریم پیگیری کرد. قرآن کریم در کنار بیان حال پیامبران گذشته، مسئلهٔ معاد را از زبان ایشان بیان کرده و گاه ناسازگاری مخالفان را نیز توضیح داده است. این مسئله حتی از زبان نخستین پیامبر صاحب شریعت، یعنی حضرت نوح (ع)، نیز با بازگو شده است. موارد زیر از جمله نمونه‌های آشکار

# آخرت

دکتر سید محسن میرباقری  
استاد دانشگاه فرهنگیان



### اشاره

مسئله معاد و زنده شدن دوبارهٔ انسان در جهان آخرت از امور قطعی و بلکه از ضروریات اعتقادی اسلام و همهٔ ادیان آسمانی است. قرآن کریم چنان به این مسئله اهمیت داده است که بدون تردید می‌توان گفت پس از توحید، بیشترین آیات قرآن کریم دربارهٔ معاد است؛ به گونه‌ای که برخی از نویسندگان حدود ۱۴۰۰ آیه از قرآن را به این مسئله مربوط دانسته‌اند (قربانی، ۱۳۶۹: ۸). این اهتمام قرآن کریم نشان‌دهندهٔ اهمیت و عظمت مسئله معاد است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمهٔ هدی (علیهم السلام) هرگاه می‌خواستند اهمیت مسئله‌ای را یادآور شوند، مردم را به آخرت متوجه می‌کردند؛ چنان که در حدیثی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمده است:

الامن كان يؤمن بالله و اليوم الآخر فلا يؤذی جاره : هان، کسی که به خدا و روز پسین ایمان دارد، همسایه‌اش را نیازارد.

### کلیدواژه‌ها: جهان آخرت، قرآن کریم، عهد

عتیق، عهد جدید، موسی (ع)، عیسی (ع)، پیامبر اسلام (ص)

### نتیجهٔ بی‌ایمانی به آخرت

قرآن کریم زندگی کسانی را که به آخرت ایمان ندارند، در سرگشتگی و گمراهی می‌داند و ایشان را در آخرت زیانمندترین افراد برمی‌شمارد:



مسئله معادباوری در ادیان گذشته‌اند که در قرآن کریم به آن‌ها اشاره شده است:

### حضرت نوح (ع)

قرآن از زبان حضرت نوح (ع) می‌فرماید: «انی اخاف علیکم عذاب یوم عظیم» (اعراف / ۵۹): من بر شما از عذاب روزی بزرگ می‌ترسم.

### قوم‌های عاد و ثمود

قرآن کریم درباره قوم «عاد» و قوم «ثمود» می‌فرماید: «کذبت ثمود و عاد بالقارعة» (حاقه / ۴): اقوام ثمود و عاد قارعه را تکذیب کردند. با توجه به اینکه «قارعه» به معنای کوبنده است و این واژه در سوره قارعه یکی از عوامل وقوع قیامت است، می‌توان دریافت که پیامبران نخستین نه تنها مسئله معاد و قیامت را مطرح کرده‌اند، بلکه درباره آن به پاره‌ای نکات نیز اشاره کرده‌اند؛ از جمله اینکه حوادث قیامت با کوبش کوبنده‌ای بر زمین آغاز می‌شود.

### قوم حضرت صالح (ع)

قرآن کریم درباره قومی که پس از حضرت نوح زندگی می‌کردند و گویا همان قوم ثمود است (مکرم شیرازی، ۱۳۷۸، ج ۱۴: ۲۳۶) می‌فرماید که آن‌ها در تکذیب پیامبرشان چنین گفتند: «یعدکم انکم اذا متم و کنتم ترابا و عظاما انکم مخرجون \* هیهات هیهات لما توعدون \* ان هی الا حیاتنا الدنیا نموت و نحیا و ما نحن بمبعوثین» (مؤمنون، ۳۷-۳۵): آیا (این مدعی رسالت) به شما وعده می‌دهد پس از آنکه مریدید و به خاک و مشتت استخوان تبدیل شدید، باز زنده می‌شوید و از خاک سر برمی‌آورید؟ هیهات از این وعده‌ها که به شما می‌دهند که جز زندگانی دنیا چیز دیگری نیست، می‌میریم و زنده می‌شویم و هرگز در جای دیگری مبعوث نخواهیم شد!

### وحی به حضرت موسی (ع)

هنگامی که حضرت موسی (ع) به مقام پیامبری برانگیخته شد، مسئله معاد نیز به او وحی شد. قرآن کریم محتوای نخستین وحی الهی به حضرت موسی (ع) را چنین بیان می‌کند: «انی انا الله لا اله الا انا فاعبدنی و اقم الصلاة لذکری \* ان الساعة آتیة اکاد اخفیها لتجزی کل نفس بما تسعی \* فلا یصدنک عنها من لا یؤمن بها و اتبع هواه فتردی» (طه / ۱۶-

۱۴): ای موسی، منم خدای یکتا. هیچ خدایی جز من نیست. پس مرا پرستش کن و نماز را به یاد من به پا دار. محققاً ساعت قیامت فرا می‌رسد. آن را مخفی می‌دارم تا هر کس به جزای اعمال و تلاشش برسد. پس زنده‌ای که به قیامت ایمان ندارند و پیرو هوای نفس‌اند، تو را از توجه به آن روز باز ندارند که در این صورت هلاک خواهی شد.

### وحی به حضرت عیسی (ع)

قرآن کریم می‌فرماید: «اذ قال الله یا عیسی انی متوفیک و رافعک الی و مطهرک من الذین کفروا و جاعل الذین اتبعوک فاحکم الذین کفروا الی یوم القیامة ثم الی مرجعکم فاحکم بینکم فیما کنتم فیہ تختلفون \* فاما الذین کفروا فاعذبهم عذابا شدیدا فی الدنیا و الاخره و ما لهم من ناصرین \* و اما الذین آمنوا و عملوا الصالحات فیوفیهم اجرهم و الله لا یحب الظالمین» (آل عمران ۵۷-۵۵): آن‌گاه که خدا به عیسی گفت: «همانا من روح تو را قبض نموده و به سوی قرب خودم بالا می‌برم و تو را از آرایش کافران پاک و مطهر گردانم و پیروان تو را تا روز قیامت بر کافران برتری دهم، پس آن‌گاه بازگشت شما به سوی من خواهد بود که در آنچه بر سر آن به اختلاف و نزاع برمی‌خاستید، به حق حکم کنم. پس گروهی را که کفر بورزند به عذابی سخت در دنیا و آخرت معذب گردانم و هیچ کس که به آن‌ها مدد و یاری کند، نخواهد بود و اما آنان را که ایمان آورده و نیکوکار باشند، خداوند اجر تمام به آن‌ها عطا می‌کند و خداوند هرگز ستمکاران را دوست نمی‌دارد.»

در این آیات از روز قیامت سخن به میان آمده و مسئله بازگشت به سوی خدای رحمان مطرح شده است. همچنین، به عذاب شدید کفار و پاداش تمام کمال مؤمنان نیکوکار اشاره شده است.

### ب. بررسی کتاب‌های آسمانی پیشین

هر چند مسئله معاد به گونه‌ای که در قرآن کریم مطرح شده است، در دیگر کتاب‌های آسمانی موجود بیان نشده است اما مباحثی که نشان دهنده معادباوری باشد در این کتاب‌ها یافت می‌شود که از آن میان می‌توان به چند نمونه اشاره کرد:

#### ۱. عهد عتیق

الف. میراننده و زنده‌کننده، زیرآورنده به قبر و بیرون آورنده، خداوند است. (سموئیل، فصل ۲، جمله ۶)



شد، مگر آنکه به روح القدس کفر گویند، که هرگز آمرزیده نخواهند شد بلکه مستوجب عذاب ابدی است. (انجیل مرقس، باب ۳، جمله ۲۸)

به همین وضع، در انتهای دنیا خواهد گردید که فرشتگان بیرون خواهند آمد و بدان را از میان راستان اخراج خواهند نمود و آن‌ها را در تنور آتش خواهند افکند. (انجیل متی، باب ۱۳، جمله‌های ۴۹ و ۵۰)

وای بر شما ای نویسندگان فریسیان ریاکار... ای افعی‌ها و مارزاده‌ها! چگونه از عقوبت دوزخ خواهید گریخت؟ (همان، باب ۲۳، جمله ۳۳).

پس هرگاه که دست تو را بلغزاند قطعش بنما که برای تو بهتر است که بی دست داخل حیات شوی، از آنکه دو دست داشته باشی و در جهنم وارد شوی؛ در آتشی که خاموش نمی‌شود. هرگاه پای تو را بلغزاند، ببری بهتر است. (انجیل مرقس، باب ۹، جمله‌های ۴۳ و ۵۰).

این‌ها و موارد همچون آن‌ها حکایت دارد که همه ادیان آسمانی از معاد سخن گفته‌اند و اگر امروزه در پاره‌ای از ادیان به این اصل بزرگ دینی کمتر توجه می‌شود، به خاطر تغییرهایی است که در متون دینی الهی رخ داده است. اما از آنجا که قرآن، آخرین منشور الهی بشر است و با اراده‌ی خدای رحمان از تحریف مصون مانده، مباحث معاد در آن بسیار فراوان و بر آن تأکید شده است.

### معاد در اسلام

موضوع معاد در اسلام، از جمله در قرآن کریم و روایات اسلامی، با اهمیت ویژه‌ای مطرح شده است، تا آنجا که بر اساس شمارش خبرگان، شمار آیاتی که به بحث معاد مربوط است، در حدود یک چهارم آیات قرآن است. روایات اسلامی نیز در این زمینه بحث را به کمال رسانده‌اند. برای مثال جلد‌های پنجم تا هشتم کتاب بحارالانوار به این موضوع می‌پردازد.

در این نوشتار بر آنیم معاد و مسئله مرگ و رفتن از دنیا، قبض روح و عالم برزخ، صحنه‌ی قیامت، حساب و کتاب و در نهایت بهشت و جهنم را از دیدگاه قرآن بررسی کنیم. در این بررسی عمدتاً از قرآن کریم و احادیث اهل بیت (ع) بهره خواهیم برد. از آنجا که جهان آخرت نتیجه‌ی دنیاست و این هر دو به آفرینش نخستین انسان مربوط می‌شوند، بحث را از نکته‌ای که در کلام امیرالمؤمنین (ع) آمده است، آغاز می‌کنیم. امام در این کلام توجه به گذشته،

ب. در روز وحدت خداوند، نه نقره و نه طلای ایشان به رهنیدن ایشان قادر نخواهد بود، آن روز که تمامی زمین از آتش غیرت او خواهد سوخت؛ زیرا به‌زودی زود تمامی ساکنان زمین را به انجام خواهد رساند.

ج. مردگان تو زنده خواهند شد و اموات خواهند برخاست. ای شما که ساکنان در خاک هستید، بیدار شوید و ترم کنید، چون که شبنم تو مثل شبنم گیاه است و زمین اموات را بیرون خواهد انداخت.

### ۲. عهد جدید

در انجیل‌های چهارگانه نیز به وجود رستاخیز تصریح شده است:

الف. طرح قیامت: **مرتا** (زنی که برادر او مرده بود) گفت: ای آقا، اگر تو در اینجا می‌بودی، برادر من نمی‌مرد، لکن الان می‌دانم که هر چه تو از خدا بخواهی، خدا به تو خواهد داد.

عیسی (ع) به او گفت که برادر تو بر خواهد خاست. مرتا به او گفت: می‌دانم که در قیامت و روز بازپسین خواهد برخاست. (انجیل متی، باب ۲۲، جمله‌های ۳۱ و ۳۲)

ب. زندگی جاوید: خواهش پدر که مرا فرستاد این است که هر چه به من بخشید، من هیچ چیز آن را ضایع نکنم بلکه در روز بازپسین آن را بر خیزانم و خواهش آن کس را که مرا فرستاده، این است که هر کس پسر را ببیند و بر او ایمان بیاورد، مالک زندگانی جاودانی بشود و من او را در روز بازپسین برمی‌خیزانم. (انجیل یوحنا، فصل ۶، جمله‌های ۳۹ و ۴۰)

ج. برقراری دادگاه عدل: حکم مکنید تا بر شما حکم نشود؛ زیرا که به آن طریق که می‌کنید، حکم بر شما خواهد شد و به همان پیمان که می‌پیمایید، از برای شما پیموده خواهد شد. (انجیل متی، باب ۷، جمله‌های ۱ و ۲)

د. جزای موافق با عمل: زیرا آن روز که فرزند انسان در جلال پدر خود با ملانکه خویش خواهد آمد، آن‌گاه هر کس را بر وفق عمل او جزا خواهد داد. (همان، باب ۱۶، جمله ۲۷)

ه. تولد جدید: عیسی (ع) به ایشان فرمود: شما که مرا متابعت نمودید، در تولد نو، اندر آن زمان که فرزند انسان بر کرسی جلال خود نشیند، شما نیز بر دوازده تخت جلوس خواهید کرد. (انجیل متی، باب ۱۹، جمله ۲۷)

و. عذاب ابدی: تمام گناهان بنی‌آدم آمرزیده خواهد

هرگاه انسان بدن دارد، «حی» است و هرگاه بدن ندارد، هر چند ادراک و احساس دارد، ولی میت است. به این ترتیب روشن می‌شود که در اصطلاح قرآن «حیات» با وجود مساوی نیست بلکه حیات حالت خاصی از وجود است و «موت» نیز به معنای عدم نیست بلکه به معنای از دست دادن ابزار فعالیت یعنی بدن است



در آیه ۲۸۱ بقره به دو حالت انسان اشاره شده است که چهار دوران انسان در این دو حالت سپری می‌گردد: گاه آدمی در حال موت و گاه در حال حیات است. با دقت در آیه مذکور درمی‌یابیم که انسان‌ها پیش از ورود به دنیا در حال موت هستند. در دنیا در حال حیات، در برزخ در حال موت و در آخرت دوباره در حال حیات خواهند بود.

البته گروهی از انسان‌ها در برزخ نیز در حال حیات‌اند که از آن جمله کسانی هستند که در راه خدا به شهادت رسیده‌اند. قرآن کریم به صراحت بیان کرده است که این گروه پس از مرگ زنده می‌مانند: «و لا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتاً بل احياء عند ربهم يرزقون» (آل عمران/ ۱۶۹): مپندارید آن‌ها که در راه خدا کشته شده‌اند، میت هستند، بلکه آن‌ها همه حی و زنده‌اند و در نزد پروردگارشان روزی می‌خورند.

و نیز می‌فرماید: «و لا تقولوا لمن يقتل في سبيل الله اموات بل احياء و لكن لا تشعرون» (بقره/ ۱۵۴): به آنان که در راه خدا کشته می‌شوند، «اموات» نگوئید، بلکه آنان زندگان‌اند، اما شما حیات آن‌ها را درک نمی‌کنید.

این استثنا، خود گویای آن است که بسیاری از مردم در دوران برزخ در حال موت هستند، نه حیات و اگر همه در حال حیات بودند، این تأکید بر وضعیت «مقتولین فی سبیل الله» که در حال حیات‌اند، بی‌دلیل بود. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) درباره جعفر بن ابی‌طالب، برادر امیرالمؤمنین (ع)، که به شهادت رسیده بود، فرمودند:

«رایته له جناحان يطير بهما مع الملائكة في الجنة» (مجلسی، ج ۶، ۲۰۹): جعفر را در حالی دیدم که دو بال داشت و با فرشتگان در بهشت پرواز می‌کرد.

### ج. تفاوت دو حالت موت و حیات

با توجه به این نکته که انسان در دنیا در حال حیات و پیش از دنیا و نیز در برزخ در حال موت است، به استثنای عده‌ای، تفاوت این دو حالت وجودی مشخص می‌شود. ما پیش از ورود به دنیا بدن کنونی را نداشته‌ایم و پس از دنیا هم، در دوران برزخ، فاقد آن خواهیم بود و روح انسان این ابزار توانمند را از دست خواهد داد. در این دوران، پیش از دنیا و برزخ، انسان‌ها در حال موت‌اند و در دنیا در حال حیات و در هر دو حالت از ادراک و احساس برخوردارند. پس تفاوت «موت» و «حیات» انسان در بدن او است.

حال و آینده را سبب رحمت الهی می‌دانند. از امیرالمؤمنین (ع) نقل شده است که می‌فرمایند: «رحم الله امراء علم من این و فی این والی این» (ری شهری، العلم و الحکمه: ۲۸۳): رحمت خدای رحمان شامل حال کسی باد که بداند از کجا آمده است، در کجاست و به کجا خواهد رفت.

قرآن کریم می‌فرماید: «کیف تکفرون بالله و کنتم امواتاً فاحیاکم ثم یمیتکم ثم یحییکم ثم الیه ترجعون» (بقره/ ۲۸): چگونه به خدا کفر می‌ورزید، در حالی که شما میت بودید، خداوند شما را زنده کرد، سپس شما را می‌میراند، دوباره شما را زنده می‌کند و در نهایت به سوی او بازمی‌گردید. از این آیه نتایج زیر به روشنی دریافت می‌شود:

### الف. چهار دوران وجودی

انسان چهار دوران وجودی را طی می‌کند: دورانی پیش از دنیا «کنتم امواتاً»، دوران دنیا «فاحیاکم»، دوران برزخ «ثم یمیتکم» و دوران آخرت «ثم یحییکم».

عبارت «ثم الیه ترجعون» گویای دوران جدیدی نیست، بلکه بازگشت به سوی خدا در همان دوران آخرت و در روز قیامت محقق می‌شود: «و اتقوا یوما ترجعون فیهِ الی الله» (بقره/ ۲۸۱): مراقب باشید برای روزی که در آن به سوی خدا بازگردانده می‌شوید.

### ب. دو حالت وجودی

انسان این چهار دوران را در دو حالت وجودی سپری می‌کند. به بیانی دیگر، برای انسان دو حالت وجودی مطرح است: حالت وجودی «موت» و حالت وجودی «حیات».

هر چند گاه در ادبیات فارسی از «مرگ» به نیستی تلقی می‌شود، ولی در میان عرب زبانان، به‌ویژه در قرآن کریم، هرگز چنین نیست. در قرآن کریم، واژه «موت» هیچ‌گاه درباره انسان به معنای نیستی نیامده است، بلکه قرآن «موت» را مخلوق خداوند می‌داند و می‌فرماید: «لذی خلق الموت و الحیاة لیبلیکم ایکم احسن عملاً و هو العزیز الغفور» (ملک/ ۲): آن - خداوندی - که «موت» و «حیات» را بیافرید تا شما را بیازماید که کدامتان کرداری بهتر دارید و او عزیز و آمرزنده است. روشن است که آنچه آفریده می‌شود، وجود است و عدم خلق شدنی نیست.

مسئله معاد و زنده شدن دوباره انسان در جهان آخرت از ضروریات اعتقادی اسلام و همه ادیان آسمانی است مسئله ایمان به آخرت از بزرگ‌ترین ارکان دین اسلام و سایر ادیان آسمانی است. هر چند به این مسئله در تورات و انجیل کنونی، به اندازه قرآن توجه نشده است

انسان بدن دارد، «حی» است و هرگاه بدن ندارد، هرچند ادراک و احساس دارد، ولی میت است. به این ترتیب روشن می‌شود که در اصطلاح قرآن «حیات» با وجود مساوی نیست بلکه حیات حالت خاصی از وجود است و «موت» نیز به معنای عدم نیست بلکه به معنای از دست دادن ابزار فعالیت یعنی بدن است.<sup>۲</sup>

در قیامت و جهان آخرت انسان‌ها حی هستند. بنابراین نه تنها وجود دارند بلکه هم روح و حقیقت آن‌ها موجود است و هم بدن که ابزار فعالیت و کارآمد بودن آن‌هاست و انسان بر آن بدن فرمانروایی می‌کند که این نکته همان جسمانی بودن معاد است.

### هـ تقدم «موت» بر «حیات»

در آیه شریفه ۲۸۱ بقره به صراحت آمده است که شما «میت» بودید و خداوند شما را احیا کرد و دوباره شما را می‌میراند و به حالت موت باز می‌گرداند.

پس دوران موت انسان بر دوران حیات دنیا مقدم بوده است؛ یعنی خداوند نخست حقیقت انسان‌ها را آفرید و سپس برای ورود آن‌ها به دنیا این بدن را در اختیار آن‌ها قرار داد و در پایان زندگی دنیا برای ورود به برزخ این بدن را از آنان بازمی‌ستاند و انسان میت می‌شود؛ البته به استثنای عده‌ای که در برزخ در حال حیات هستند. با این توضیح جای تردید نمی‌ماند که ارواح آدمیان پیش از ورود به دنیا آفریده شده و به این مسئله در روایات تأکید شده است.<sup>۳</sup>

### و. وضعیت کنونی انسان

انسان‌ها هم‌اکنون در دومین دوران وجودی خود هستند؛ یعنی زندگی دنیا را سپری می‌کنند. از دیدگاه قرآن کریم دوران دنیا مهم‌ترین دوران است؛ زیرا در حکم مدرسه یا دانشگاه است و دورانی است که با آموزش و آزمون الهی همراه است و افراد بشر به نوبت در این وادی گام می‌نهند تا دوران مقدر خویش را در زندگی دنیا بگذرانند و در شکوفایی استعدادهاى خویش بکوشند و برای زندگی جاودان خود تدارک ببینند<sup>۴</sup> (حشر، ۱۸) و جوار قرب ربوبی را بجویند<sup>۵</sup> (قمر/ ۵۵ و ۵۴). خدای رحمان در این دوران پیامبران را به‌عنوان معلمان جامعه بشری، با چراغ هدایت و منشور شریعت به سوی آنان گسیل می‌دارد تا آنان را به رحمت بی‌پایان الهی در فرجام این گذرگاه بشارت دهند و آن‌ها را از روز رستاخیز هشدار دهند و در پوییدن سیر بندگی چراغ راهشان باشند<sup>۶</sup> (احزاب/ ۴۶ و ۴۵). سخن قرآن کریم

هرگاه این بدن در اختیار روح و حقیقت انسانی قرار گیرد، انسان زنده است و هرگاه آن را از او بگیرند، میت می‌شود اما انسان میت، هم درک و شعور دارد و هم از نوعی احساس برخوردار است. مثال زیر می‌تواند بحث را روشن‌تر کند:

اگر خلبانی فرمانروای هواپیمای خود باشد و فعالانه هواپیما را هدایت کند و این ابزار کارآمد تحت فرمان او باشد، او خلبانی بالفعل و در مقام تشبیه، خلبانی زنده است و چنان که هواپیمای او از بین برود و او یا چتر نجات خود را به روی زمین برساند، در این صورت او از دانش و ادراک خلبانی برخوردار است ولی ابزاری برای پرواز ندارد که در این صورت او خلبانی بالقوه و در مقام تشبیه به انسان، خلبانی میت است. البته حالت دیگری نیز متصور است و آن اینکه خلبان خسته شود و برای لحظاتی از پشت دستگه کنار رود و در گوشه‌ای استراحت کند. در این صورت نیز در حالتی است که به حالت خواب انسان شباهت دارد. این نکته که انسان‌های میت وجود دارند و دارای ادراک و احساس، ولی فاقد بدن هستند، در روایات بسیاری آمده است؛ چنان که مباحثی که درباره اموات پس از مرگ آمده است، گویای همین مسئله است؛ برای نمونه انسان‌ها پس از مرگ در حال موت هستند و موت مانند خواب است که در آن ادراکات انسان از طریق بدن او نیست. این حدیث گویای این مطلب است: «قیل لمحمد بن علی (علیه‌السلام): «ما الموت؟» قال: «هو النوم الذی یأتیکم کل لیلۃ الا أنه طویل مدته لا ینتبه منه الا یوم القیامۃ فمن رای فی نومه من اصناف الفرح ما لا یقدر قدره و من اصناف الاهیال ما لا یقدر قدره فکیف حال فرح فی النوم و وجل فیه؟ هذا هو الموت فاستعدوا له (مجلسی، ج ۶: ۱۵۵): از امام باقر (ع) سؤال شد: «موت چیست؟» فرمودند: «همان خوابی است که هر شب شما را فرا می‌گیرد و تنها تفاوت آن با خواب این است که آن طولانی‌تر است و جز روز قیامت از آن بیدار نمی‌شوند و در عین حال در خواب گونه‌های مختلف شادمانی و گونه‌های مختلف هول دیده می‌شود. مرگ چنین است. برای آن آماده شوید.

### د. جسمانی بودن معاد

مهم‌ترین نکته‌ای که از آیه ۲۸۱ بقره برداشت می‌شود این است که انسان در قیامت نیز مانند دنیا در حال حیات است: «ثم یحییکم». گفتیم که حیات انسان با بدن او در ارتباط است؛ یعنی هرگاه



معادباوری در ادیان آسمانی را از دو راه می‌توان بررسی کرد: نخست از راه بررسی آیات قرآن و دیگر از راه بررسی کتاب‌های آسمانی پیشین

این است که این بنای گسترده و عظیم نمی‌تواند بی‌هدف باشد و خدای حکیم کاری عبث و بیهوده انجام نمی‌دهد و خداوند این بساط با عظمت را از سر بازیگری به راه نینداخته است.

### دلایلی از قرآن کریم بر مسئله معاد

«و ما خلقنا السماء و الارض و ما بینهما باطلاً ذلک ظن الذین کفروا فویل للذین کفروا من النار\* ام نجعل الذین آمنوا و عملوا الصالحات کالمفسدین فی الارض ام نجعل المتقین کالفجار» (ص/ ۲۸ و ۲۷). ما آسمان و زمین و آنچه را بین آن‌هاست، بر باطل نیافریدیم. این گمان کسانی است که کافرند؛ پس وای بر کافران از آتش. آیا ما کسانی را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام می‌دهند، مانند مفسدان در زمین قرار می‌دهیم، یا اینکه پرهیزکاران را چون خودکامگان قرار خواهیم داد.

در این آیه چند نکته هویداست:

الف. عدالت الهی (برهان عدالت): نکته‌ای که آیه ۲۸ سوره ص بدان پرداخته، این است که هرگز خداوند مؤمنان نیکوکردار را با فسادگران در زمین برابر نمی‌کند و به سرنوشتی یکسان دچار نمی‌سازد و نیز اهل تقوا را با خودکامگان مساوی قرار نمی‌دهد. دوباره به عبارت آیه توجه کنید:

«ام نجعل الذین آمنوا و عملوا الصالحات کالمفسدین فی الارض ام نجعل المتقین کالفجار»: آیا ممکن است که ما- خدای عدالت‌گستر حکیم- مؤمنان نیکوکردار را مانند مفسدان در زمین قرار دهیم؟ آیا ممکن است با انسان‌های متقی مثل خودکامگان رفتار کنیم؟

پاسخ روشن است. جا دارد خدای رحمان از ما سؤال کند که آیا اگر شما بودید، چنین می‌کردید و اگر کار دست شما بود، حاضر بودید بین خوب و بد تفاوت نگذارید؟ پس چرا عده‌ای درباره خداوند چنین می‌اندیشند.

خلاصه این برهان را به صورت زیر می‌توان بیان کرد:  
- خدای رحمان انسان‌ها را آفریده و استعدادهای فراوانی به آن‌ها عطا داده و مواهب طبیعت را در اختیار آن‌ها قرار داده است؛

- خداوند به انسان‌ها اراده‌ای مستقل بخشیده است که می‌توانند به انتخاب خود راه حق را بپویند یا گمراهی و هواپرستی را انتخاب کنند: «... منکم من یرید الدنیا و منکم من یرید الآخرة» (آل عمران/ ۱۵۲): برخی از شما دنیا را اراده می‌کنید و برخی آخرت را.

- خدای رحمان پیامبران الهی را گسیل داشته است تا راه حق و حقیقت را به انسان بنمایاند و در این زمینه نیز در پذیرش حق یا نپذیرفتن آن به انسان‌ها قدرت انتخاب داده است: «و قل الحق من ربکم فمن شاء فلیؤمن و من شاء فلیکفر...» (کهف/ ۲۹): بگو حق از ناحیه پروردگارت ارائه شده است. پس هر که می‌خواهد ایمان بیاورد و هر که می‌خواهد راه کفر در پیش گیرد.

البته در ادامه آیه برای انتخاب راه کفر آتش جهنم وعده داده شده است.

- افراد بشر در این دوران دنیا یکسان عمل نمی‌کنند؛ عده‌ای حق را می‌پذیرند و به اعمال شایسته می‌پردازند و هواهای نفسانی را برای خدا کنترل و برای خدمت به بندگان خدا تلاش می‌کنند و دسته‌ای دیگر تنها راه لذت‌های نفسانی را برمی‌گزینند و هر چه را دلشان بخواهد، دنبال می‌کنند و در این راه حتی از تجاوز به حقوق دیگران نیز هیچ ابایی ندارند.

- بر خدای رحمان است که این دو دسته را از هم جدا سازد و حق مظلوم را از ظالم بازستاند و عدالت را به اجرا درآورد. بر اوست که به مؤمنان نیکوکردار پاداش دهد و ستمگران را به کیفر برساند.

- در زندگی دنیا امکان احقاق حق، آن هم به‌طور کامل، وجود ندارد؛ زیرا برای مثال اگر کسی در این دنیا انسانی بی‌گناه را بکشد، قصاص می‌شود و جان او در برابر جان آن یک نفر بی‌گناه گرفته می‌شود. اما اگر جنایتکاری میلیون‌ها انسان بی‌گناه را به خاک و خون بکشد، این دنیا ظرفیت مجازات او را ندارد و نمی‌توان تنها با کشتن او عدالت را اجرا کرد. از طرفی تاریخ بشر از جنایتکارانی که در گذشته و حال هزاران بی‌گناه را به خاک و خون کشیده‌اند، نمونه‌های فراوانی به یاد دارد که صدام، دیکتاتور عراق، نمونه بارز آن‌هاست. اینجا است که قرآن کریم می‌فرماید: «و لا تحسبن الله غافلاً عما یعمل الظالمون انما یؤخرهم لیوم تشخص فیهِ الابصار» (ابراهیم/ ۴۲): خدا را چنین مپندارید که از رفتار ظالمان غافل است. جز این نیست که (مهلتی دارند و) آن‌ها را برای روزی که چشم‌ها در آن خیره می‌شوند، به تأخیر انداخته است.

آن سوی قضیه نیز چنین است؛ بزرگ‌مردانی که در تاریخ بشریت زحمتهایی طاقت‌فرسا تحمل کرده و خدماتی بسیار عظیم به جامعه بشری ارائه داده‌اند، در تاریخ کم نیستند و این دنیا نیز ظرفیت دادن پاداشی شایسته به آن‌ها را ندارد. مثلاً در برابر

مسئله معاد در اسلام، از جمله قرآن کریم و روایات اسلامی، با اهمیت ویژه‌ای مطرح شده است تا آنجا که بر اساس شمارش خبرگان، شمار آیاتی که به بحث معاد مربوط است، در حدود یک چهارم آیات قرآن است. روایات اسلامی نیز در این زمینه بحث را به کمال رسانیده‌اند





روشن است که قرآن کریم حق بودن آفرینش را در گرو آمدن قیامت و پایداری انسان پس از مرگ و حضور او در پیشگاه خدای رحمان در جهان آخرت می‌داند. قرآن کریم این مسئله را درباره انسان به روشنی بیان می‌کند: «فحسبتم انما خلقناکم عبثا و انکم الینا لاترجعون» (مؤمنون/۱۱۵): آیا می‌پندارید که شما را بی‌هوده آفریدیم و به سوی ما بازگردانده نمی‌شوید؟

پیام آیه این است که اگر قیامتی نباشد و شما انسان‌ها به سوی خدای رحمان بازگردانده نشوید، آفرینش دنیای شما بی‌هوده خواهد بود. اگر اندکی بیندیشیم، درمی‌یابیم که در واقع چنین است، زیرا: اولاً: گذراندن زندگی دنیا به تنهایی فاقد هر گونه هدفی است و دنیا نمی‌تواند دلیل وجود خویش باشد. دنیا همانند مدرسه یا دانشگاهی است که می‌تواند دورانی رشد آفرین و ثمربخش برای انسان باشد تا ثمره تلاش خود را در آینده به‌دست آورد، و گرنه زندگی گذرایی که هر چه در آن به آدمی داده می‌شود، از او بازپس می‌گیرند و هر موهبتی از آن پایانی دارد، به خودی خود آرامش‌بخش نخواهد بود. قرآن کریم می‌فرماید: «و من عمره نلکسه فی الخلق افلا یعقلون» (یس/۶۸): هر که را عمر طولانی می‌دهیم، در خلقت دگرگونش می‌سازیم؛ آیا- مردم- به تعقل نمی‌پردازند (که چرا؟)

گویا پیام قرآن این است که اگر انسان‌ها اندیشه کنند، از خود می‌پرسند چرا خدای رحمان، که کاری بی‌هوده انجام نمی‌دهد و در ساحت قدس او یخل راه ندارد، نعمت‌های داده‌شده را باز پس می‌گیرد؟ اگر دنیا تنها برای این بود که مردم در آن از نعمت‌های الهی بهره‌مند گردند، پس چرا خدا نعمت‌ها را از انسان‌ها بازپس می‌ستاند؟ بنابراین، هدف دنیا چیز دیگری است و این بازستانی نعمت‌ها، بدون وجود آخرت، که دنیا مقدمه‌ای برای آن است، هیچ توجیه دیگری ندارد.

قرآن کریم به روشنی از زندگی پس از مرگ و جاودانگی انسان سخن می‌گوید. از این رو، در بینش اهل ایمان، مرگ پایان راه نیست، بلکه آغازی دیگر است.

راستی که اندیشه بقا چه زیبا و وعده الهی بر ثمربخش بودن تلاش زندگی دنیوی اهل ایمان چه دلپذیر است و در برابر آن، چه نادرست و دهشت‌انگیز است که کسی چنین بیندیشد که پس از طی شدن پیچ و خم‌های کوتاه و بلند زندگی، انسان به پایان مرز هستی خود برسد و لحظه‌ای بعد در

خدمات رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) که نور و رحمت الهی را به جامعه بشریت ارزانی داشتند، چه نعمتی از نعمت‌های دنیا می‌توان به ایشان هدیه کرد؟ آیا پیامبران الهی بهره مناسبی از این دنیا برده‌اند؟ آیا آن‌ها به این زندگی گذرا دل سپرده‌اند تا برای آن‌ها ارزشمند باشد؟ و آیا...؟ از آنچه گفته شد می‌توان دریافت کسی که نظام خلقت الهی را عادلانه می‌بیند و خداوند رحمان را به دور از ظلم می‌شناسد، جز این باور ندارد که حتماً به دنبال این دنیا برنامه دیگری است و خدای رحمان برای انسان صحنه حساب و کتابی فراهم می‌سازد تا قضاوتی عادلانه صورت‌پذیرد و حق هر کس به او داده شود.

## ب. حکیمانه بودن آفرینش (برهان حکمت)

آفرینش الهی بر باطل نیست بلکه حق است. قرآن کریم این نکته را بارها یادآور شده است که ما آفرینش را بی‌هدف و باطل نیافریدیم، بلکه از آن هدفی حکیمانه و حساب شده داشته‌ایم. از این رو، قرآن بازپس بودن آفرینش را نفی می‌کند و می‌فرماید: «و ما خلقنا السماء و الارض و ما بینهما لاعین» (انبیاء/۱۶): ما آسمان‌ها و زمین و آنچه را بین آن‌هاست، برای بازی نیافریدیم.

پس آفرینش الهی برای سرگرمی و مانند کار کودکان نیست که از سر بازی خانه‌ای می‌سازند و دقایقی بعد آن را ویران می‌کنند. همچنین، آفرینش الهی مانند بازیگری انسان‌ها در زندگی دنیا نیست که تلاش می‌کنند و اموالی گرد می‌آورند و به گونه‌ای بی‌هدف بناهایی برپا می‌کنند، سپس آن‌ها را در این دنیا می‌گذارند و از دنیا می‌روند. آفرینش الهی هرگز چنین نیست، بلکه هر پدیده‌ای حسابی دارد و هر کاری هدفمند است.

قرآن کریم هدف دنیا را جهان آخرت می‌داند؛ به این معنا که چون آفرینش هدفدار است، ناگزیر جهان دیگری در پی این دنیا خواهد بود که براساس آن، زندگی دنیا معنا پیدا می‌کند و هدفمند می‌شود؛ چنان‌که می‌فرماید:

«و ما خلقنا السماوات و الارض و ما بینهما الا بالحق و ان الساعة لاتیة فاصفح الصفح الجمیل» (حجر/۸۵): ما آسمان‌ها و زمین و موجوداتی را که بین آن‌هاست، جز بر هدفی حق نیافریدیم و البته قیامت خواهد آمد. اینک با اغماض و گذشت نیکو درگذر.

قرآن کریم بر این مسئله تأکید دارد که رحمت خداوند نه تنها از تشکیل صحنه حساب، کتاب و ارائه پاداش و کیفر جلوگیری نخواهد کرد، بلکه زمینه‌ساز آن خواهد بود؛ زیرا لطف و رحمت الهی بر مظلومان سبب می‌شود که حق از دست‌رفته آن‌ها را بازستاند و به ظلم ستمگران بی‌اعتنا نباشد. رحمت و لطف خدای رحمان امری قطعی است ولی معاد هم امری مسلم است



### پی‌نوشت‌ها

۱. قرآن کریم ارائه شریعت را به پنج پیامبر صاحب شریعت نسبت داده است که نخستین آن‌ها حضرت نوح (ع) است؛ در آیه ۱۳ سوره شوری می‌خوانیم: «شرع لکم من الدین ما وصی به نوحا و الی او حیثا لیک و ما وصینا به ابراهیم و موسی و عیسی ان اقیما الدین...».

۲. در سوره مؤمنون آیه یازدهم درباره مرگ می‌فرماید: «ثم انکم بعد ذلک لمیتون» شما پس از آفرینش در زندگی دنیا و گذراندن این زندگی، میت خواهید شد.

۳. از جمله روایات طینت و عالم ذر، علامه مجلسی در جلد سوم بحار الأنوار، اخبار زیادی درباره طینت و عالم ذر و اخذ میثاق نقل کرده که خلاصه مضمون آن‌ها این است که خدای تعالی از صلب حضرت آدم ابوالبشر ذریه او را تا روز قیامت به صورت ذر بیرون آورد؛ به گونه‌ای که از خردی و کوچکی مثل مورچه بودند. سپس ارواح آن‌ها را به این اجساد تعلق داد در حالی که از کمال عقل، شعور، اراده و اختیار برخوردار بودند. پس از آن‌ها به وحدانیت خود و رسالت پیامبران و ائمه هدی (علیهم السلام) پیمان گرفت و فرمود: «الست بربکم». عده‌ای که اصحاب یمین بودند، از روی اطاعت و رغبت گفتند: «بلی» و حق را تصدیق کردند و دیگران که اصحاب شمال بودند، از روی کراهت و بی‌میلی بلی گفتند. سپس آن‌ها را امتحان کرده؛ به این ترتیب که آتشی را برای آن‌ها پدیدار کرد و امر فرمود همگی در آن داخل نشوند. پس اصحاب یمین در آن داخل شدند و آتش بر آن‌ها سرد شد و دیگران از این فرمان سرپیچی کردند. این آزمون سه بار تکرار شد (سید عبدالحسین دستغیب، ۸۲ پرسش-پرسش نهم، ص ۳۴. برای مطالعه بیشتر به ترجمه تفسیرالمیزان، ج ۱، ص ۴۳۱-۳۳۹، زیر تفسیر آیه ۱۷۲ سوره اعراف مراجعه کنید).

۴. «یا ایها الذین امنوا اتقوا الله و لتنظر نفس ما قدمت لغد و اتقوا الله ان الله خبیر بما تعملون».

۵. «ان المتقین فی جنات و نهر» فی مقعد صدق عند ملک مقتدر».

۶. «یا ایها النبی انا ارسلناک شاهدا و میثرا و نذیرا» و داعیا الی الله باذنه و سراجا منیرا».

### منابع

۱. زین‌الدین قربانی، به سوی جهان ابدی، شفق، قم، ج ۲، ۱۳۶۹.
۲. محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، مؤسسة الوفاء، بیروت، ج ۴۳، ص ۵۲.
۳. ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۱۹، ص ۱۳۷۸.
۴. محمدباقر مجلسی، پیشین، ص ۱۵۵.
۵. گوینا «موت» حالتی است همراه با سکون و بدون فعالیت؛ چنان که در لغت درباره ایستادن باد آمده است: ماتت الريح؛ المنجد، مادة «موت»، ج ۱، ص ۷۷۸.

لیجمعنکم الی یوم القیامة لاریب فیه الذین خسروا انفسهم فهم لا یؤمنون» (انعام/۱۲): ای پیامبر (از این مشرکان) بپرس: «آنچه در آسمان‌ها و زمین است، از آن کیست؟» بگو: «از آن خداست، او بر خویشتن رحمت را فرض و واجب کرده است، (با این حال) همه شما را در روز قیامت، که تردیدی در برپایی آن نیست، گرد می‌آورد؛ کسانی به قیامت ایمان نمی‌آورند که خود را در زینمندی تباه ساخته‌اند».

رحمت الهی با عدالت او همراه است و مقتضای این آن است که انسان‌ها پس از مرگ به یک زندگی ابدی وارد شوند و نتایج اعمال خود را مشاهده کنند. اهل تقوی به آن زندگی دل دادند که در نعمت‌های الهی به سر می‌برند و در جوار قرب ربوبی روزگار می‌گذرانند: «ان المتقین فی جنات و نهر- فی مقعد صدق عند ملک مقتدر» (قمر/۵۵ و ۵۴): همانا پرهیزکاران در بهشتان و چشمه‌سارهایند، در جایگاهی پسندیده، نزد فرمانروایی قدرتمند.

### نتیجه

بنا بر آنچه گذشت، قرآن کریم به ما می‌آموزد که زندگی دنیا را با هدفی مقدس سپری کنیم و در راستای آرمانی بزرگ تلاش کنیم. در این صورت فرجام زیبایی در انتظار ما خواهد بود. مؤمنان به قرآن، با درس‌هایی که از کتاب آسمانی خود می‌آموزند، با نگاهی دیگر به دنیا می‌نگرند؛ نگاهی مبتنی بر عدل و حکمت الهی. مؤمنان با این نگاه، دیگر آینده را تاریک نمی‌بینند و مسیر را نامشخص نمی‌پندارند و زحمات خود را بر بادرفته نمی‌انگارند بلکه در چهره زمان مدینه فاضله حقیقی را شهود می‌کنند و با این نگاه شور و شوقی وصف‌ناشدنی به آینده در خود احساس می‌کنند و در پی اطلاعاتی روشنگر در این زمینه می‌روند و برای دستیابی بدان منبعی بهتر از وحی نمی‌یابند و راهی مطمئن‌تر از مراجعه به قرآن و عترت نمی‌شناسند. مؤمنان به قرآن، حتی مرگ را پدیده‌ای منفی نمی‌دانند و معتقدند که مرگ می‌تواند زیبا باشد، نه وحشتناک زیرا مرگ لحظه انتقال است؛ انتقال از دنیا به عالم برزخ و از آنجا به زندگی دوباره در عالم آخرت. و هر کدام از این دو انتقال می‌تواند مایه سرور و رحمت باشد. در مقاله آینده به قرآن کریم باز می‌گردیم و سیمای آینده خویش و چهره واپسین تاریخ بشریت را در آن جست‌وجو می‌کنیم.

تاریکی‌های نیستی نابود شود. به راستی که حکمت الهی چنین بی‌حاصل بودنی را بر نمی‌تابد و رحمت بی‌پایان او فرجامی چنین ناخوشایند را نمی‌پسندد. کوتاه سخن اینکه اولاً از دیدگاه کسانی که به وجود خدای حکیم ایمان دارند، زندگی دنیا به خودی خود حکیمانه و هدفمند نیست، مگر اینکه آن را مدرسه‌ای بدانیم و دورانی برای رشد و تعالی بشناسیم که در واقع چنین است.

ثانیاً: برای گذراندن زندگی دنیا و بهره‌مندی از مواهب طبیعت، نیازی به این استعدادهای عظیم انسانی نیست. مثلاً اگر در اتافی که با یک یا دو لامپ معمولی کاملاً روشن می‌شود، از پانصد پروژکتور قوی استفاده شود، همگان این کار را بیهوده می‌دانند. حال سؤال این است که آیا حیوانات که از استعدادهای شگفت‌انگیز انسانی بی‌بهره‌اند، زندگی دنیا را به راحتی نمی‌گذرانند؟! آن‌ها هم از مواهب طبیعت استفاده می‌کنند و چه بسا خیلی آسوده‌تر از انسان زندگی خود را سپری می‌کنند. چه کسی می‌تواند مطمئن باشد که زندگی خود را مثلاً از زنبور عسل شیرین‌تر و بهتر سپری می‌کند؟ این حشره کوچک از فضای آزاد طبیعت استفاده می‌کند، از شهد گل‌ها می‌چشد، از همه کارهای خود احساس رضایت می‌کند و از نگرانی‌هایی که انسان در زندگی خود دارد، ایمن است. در حالی که انسان‌ها گاه برای ایمن شدن از این نگرانی‌ها به این سو آن و سو می‌زنند و بعضاً به داروهای آرام‌بخش رو می‌آورند. آیا این عقل پویشگر انسانی که گاه زمینه‌ساز خاطره‌های ناگوار و نگرانی‌های بسیار است، برای استفاده از مواهب طبیعت و زندگی دنیا ضرورتی دارد؟ اگر زندگی انسان تنها به همین دنیا محدود است، پس چرا خداوند بشر را چنین پیچیده و شگفت‌انگیز آفریده است؟ چرا او را انتخابگر و دارای اراده آزاد قرار داده است تا خوب و بد را انتخاب کند و چرا...؟

### معاد و رحمت الهی

قرآن کریم بر این مسئله تأکید دارد که رحمت خداوند تنها از تشکیل صحنه حساب و کتاب و ارائه پاداش و کیفر جلوگیری نخواهد کرد، بلکه زمینه‌ساز آن خواهد بود؛ زیرا لطف و رحمت الهی بر مظلومان سبب می‌شود که حق از دست‌رفته آن‌ها را بازستاند و به ظلم ستمگران بی‌اعتنا نباشد. رحمت و لطف خدای رحمان امری قطعی است، ولی معاد هم امری مسلم است. قرآن کریم می‌فرماید: «قل لمن ما فی السماوات و الارض قل لله کتب علی نفسه الرحمة